

مرو در تاریخ ایران

حاکمی از اهمیت این شهر در طول تاریخ است. نویسنده در ادامه، برخاستن علمای بسیاری اعم از زنان و مردان بزرگ در طول تاریخ و از این سرزمین، از جمله دیگر علل پرداختن به جغرافیای تاریخی مرو عنوان کرده است. سیدی تأکید کرده است که در تعیین حدود مرو هم، محدوده‌ی همین ولایت، یعنی استان مرو کنونی ترکمنستان، مدنظر بوده است. در واقع با توجه به این که در حال حاضر تمام آبادی‌های دو ساحل رود مرو از مرز افغانستان تا حاشیه‌ی بیابان قراقروم جزو ولایت یا استان ماری کشور ترکمنستان است، در این پژوهش تمام شهرها و آبادی‌های حواشی رود مرو از مرز غرجهستان تا انتهای شمالی شهر مرو در زمره‌ی این ولایت شمرده شده است. نویسنده هم‌چنین به دیگر مناطقی که هر کدام به دلایلی جزو مرو شمرده شده‌اند، اشاره کرده و نوشته است که کتاب شامل ۷۱۵ مدخل و معرفی ولایات مرورود (ماروچاق، مرغاب و بالامرغاب بعدی)، پنج ده، مرو و گنج روستا همراه با معرفی اجمالی بادغیس است. شایان ذکر است که هشت فصل اول کتاب براساس نظم موضوعی و فصل نهم براساس صورت الفبایی به رشته‌ی تحریر کشیده شده است. نویسنده در ادامه‌ی کتاب، به ارائه‌ی تعاریفی کوتاه از واحدهای سنجش و اندازه‌گیری پرداخته و واحدهایی چون آرشین، تاش، تیرپرتاب ذرع و شماری دیگر از آن‌ها را معرفی کرده است.

با توجه به این که مرو از جمله شهرهای خراسان بوده است، سیدی در ادامه تلاش کرده است که به ارائه‌ی مطلبی اگرچه کوتاه درباره‌ی حدود خراسان بپردازد. در این قسمت و در ذیل عنوان خراسان و حدود آن در گذشته، نویسنده اشاره کرده است که اگر افغانستان کنونی را به سه حوضه‌ی آبریز رودهای بلخ، هیرمند و هریرود تقسیم کنیم، می‌توانیم بگوییم که حوضه رودهای بلخ و هریرود جزو خراسان بوده‌اند. شایان ذکر است که تمامی ولایات و شهرهای ترکمنستان کنونی، به استثنای ولایت داش‌حوض، استان بالکان و کویر شمالی ولایات نسا و ابیورد نیز جزو خراسان محسوب می‌شده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که در گذشته، گاه بخش جنوبی یا غربی خوارزم و نیز ماوراءالنهر را هم از ولایات خراسان به‌شمار می‌آوردند. نویسنده برای ارائه‌ی تصویری بهتر از محدوده‌ی خراسان، ذهنیت جغرافی‌دانان سده‌های گذشته نظیر اصطخری، مقدسی، یاقوت حموی و شماری دیگر از این بزرگان را درباره‌ی خراسان و محدوده‌ی آن در کتاب خود گنجانده است. در



■ جغرافیای تاریخی مرو
 ■ مهدی سیدی، با همکاری نادره سیدی و محمدرضا آشتیانی
 ■ انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶، ۲۹۸ صفحه

کتاب جغرافیای تاریخی مرو، تألیف مهدی سیدی در قالب نه فصل تلاش کرده است که به جغرافیای یکی از نواحی بسیار بااهمیت ایران بپردازد و زوایای متفاوت موضوع موردپژوهش خود را روشن کند. در ابتدا، نویسنده ضمن تأکید به پیوند دیرباز مرو با تاریخ و فرهنگ ایران و زبان فارسی به قدمت چهارهزارساله‌ی این سرزمین اشاره کرده است. ذکر نام این شهر در کتیبه‌های هخامنشی تحت عنوان مارغوش، مرغیانه در منابع کهن ایرانی و متون یونانی و مرو در شاهنامه و دیگر منابع دوره‌ی اسلامی، گواه مناسبی بر این ادعاست. نامیدن مرو به اسامی چون ام‌القری، مادر شهرهای عجم، مرو شایجان و شایگان



**بررسی آثار به دست آمده از
کهن ترین بخش واحه مرو، یعنی
مارغوش بیانگر این مطلب است
که سابقه‌ی مدنیت و حیات در
مرو به زمان پیش از عهد اسکندر
و هزاره‌ی دوم پیش از میلاد
برمی گردد**

مغول و ایلخانان شد. در زمان شاهرخ بود که تصمیم به بازسازی مرو و احیای مجدد آن گرفته شد. حافظ ابرو در اثر خود به طور مختصر به بازسازی مرو توسط شاهرخ اشاره کرده است. با روی کار آمدن صفویان و از سال ۹۱۶ تا ۹۳۰ مرو در تصرف عمال شاه اسماعیل بود، اما بعد از آن این ناحیه توسط ازبک‌های ماوراءالنهر تصرف شد. مرو تا هشتاد سال در اختیار آنان بود و از این زمان درباره‌ی مرو اطلاع چندانی در دست نیست. بالاخره در سال ۱۰۰۸ بود که شاه عباس توانست این ناحیه را دوباره به چنگ آورد. از این به بعد، مرو یکی از قلاع مرزی ایران در برابر ازبکان و یکی از سیزده بیگلربیگی نشین صفویان بود. در زمان نادرشاه به دلیل برخاستن محمد کاظم، وزیر و مؤلف عالم‌آرای نادری، از سرزمین مرو شاهد حجم قابل توجه و دارای اهمیت اطلاعات درباره‌ی این دیار هستیم. این مورخ در اثر خود و در گزارش‌های مختلف به مرو و وقایع پیرامون آن اشاره کرده است. شایان ذکر است که بالاخره، ارتباط ایران با مرو در سال ۱۲۲۳ قطع شد و ترکمانان تکه و ساریق تنها ساکنان آن شدند و این ناحیه اندکی بعد به دست روس‌ها افتاد.

در فصل دوم نویسنده به جریان رود مرو و بند و بخشاب آن پرداخته و تلاش کرده است تا قسمتی دیگر از موضوع خود را مورد تفحص قرار دهد. رود مرو از کوه‌های غرچستان سرچشمه میگیرد و از دیرباز دارای اهمیت فراوان بوده است که با نام‌هایی چون مرغاب رود مروین، آب زریق و برخی اسامی دیگر نیز از آن یاد شده است. در قرون اولیه‌ی اسلامی، چهار رود از محل بخشاب به سوی مرورود جاری می‌شده که عبارتند از: نهر اسعدی خراسانی، نهر زریق، نهر ماجان و نهر هرمزفره. درباره‌ی بند مرو نیز نویسنده اشاره کرده است که چون جریان عادی رود مرو قبل از مرو تمایل به سوی شمال غربی داشته است، از زمان

**عنوان خراسان را در زمان ساسانیان
به این سرزمین داده‌اند، زیرا قبل از
آن و در زمان اشکانیان، این سرزمین
با عنوان پرتوه یا پرتوه نامیده
می شده است**

نهایت، سیدی نوشته است که عنوان خراسان را در زمان ساسانیان به این سرزمین داده‌اند، زیرا قبل از آن و در زمان اشکانیان، این سرزمین با عنوان پرتوه یا پرتوه نامیده می‌شده است.

بعد از درج کلیاتی در صفحات آغازین کتاب، نویسنده در فصل اول و در ذیل عنوان مرو به اسامی مختلف مرو و آراء متفاوت درباره‌ی زمان بنای آن پرداخته و متذکر شده است که بررسی آثار به دست آمده از کهن ترین بخش واحه مرو، یعنی مارغوش بیانگر این مطلب است که سابقه‌ی مدنیت و حیات در مرو به زمان پیش از عهد اسکندر و هزاره‌ی دوم پیش از میلاد برمی گردد. در این قسمت نیز، نویسنده به نقل نوشته‌های مورخان چون گردیزی، اصطخری، حافظ ابرو و برخی دیگر درباره‌ی ساخت این ولایت پرداخته است. نویسنده همان گونه که در ضمن کلیات آغاز کتاب متذکر شده است، در فصول اول کتاب به ترتیب تاریخی تغییر و تحولات مرو پرداخته است. در این فصل، نویسنده به سقوط ساسانیان و ظهور اسلام و نیز چگونگی فتح مرو توسط مسلمانان اشاره کرده است. در ادامه، به نقش ابومسلم خراسانی در سقوط بنی امیه نیز نگاهی انداخته شده است، زیرا این قیام در مرو صورت گرفت. مؤلف در ادامه، استقرار مأمون در مرو و دعوت وی از امام رضا(ع) را برای ولایت‌عهدی به مرو، در ذیل دیگر وقایعی متذکر شده است که مرو را در کانون توجه قرار داد؛ اگر چه بعد از عزیمت مأمون به سوی بغداد از این اهمیت کاسته شد. بعد از این که عبدالله بن طاهر مرکز حکومت خویش را از مرو به نیشابور انتقال داد، مرو موقعیت و اهمیت خود را به نفع نیشابور از دست داد، اما این تغییر و تحولات مانع از آن نشد تا جغرافی دانان مسلمانان به این ناحیه توجه نکنند. نویسنده سپس ضمن اشاره به اطلاعات مبسوط این جغرافی دانان درباره‌ی اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرو به درج برخی از آن مطالب پرداخته است. در ادامه به جنگ سال ۳۸۹ میان محمود غزنوی و سامانیان و پیروزی محمود اشاره کرده است که به تعلق مرو به وی منجر شد. ذکر این نکته ضروری است که مرو یکی از دو پایتخت سلجوقیان بود، که تا جنگ دندانقان در سال ۴۳۱ در زمان مسعود، نیز در اختیار غزنوی‌ها باقی ماند. شایان ذکر است که مرو در زمان سلطان سنجر دوباره به قدرت سیاسی رسید. یکی دیگر از نکات قابل ذکر درباره‌ی مرو تا قبل از حمله مغولان وجود کتابخانه‌های بسیاری از جمله کمالیه، عزیزیه، شرف‌الملک و خواجه نظام‌الملک در این دیار است. حمله مغول به مرو در سال ۶۱۸ و با زعامت تولی آغاز شد و خرابی‌های بسیاری را به دنبال آورد. ویرانی مرو باعث متروک شدن شاهراه سرخس - مرو - جیحون در دوره‌ی

منطقه‌ی مرو همواره از مناطق بسیار مهمی بوده که نویسنده نیز به کرات بر ارتباط تنگاتنگ آن با فرهنگ ایرانی تأکید کرده است

زریق، گیرنگ، ترکن قلعه، تلخ‌تان، یولوتان، فاز، مهدی آباد، بحیرآباد، برکدیز و قرنین. در این فصل نیز با عنایت به اطلاعاتی که در آثاری چون مسالک و ممالک، صورالارض، احسن التقاسیم، معجم‌البلدان، الانساب و بسیاری منابع تاریخی دیگر و نیز برخی تحقیقات و پژوهش‌ها آمده، به درج مطالبی درباره‌ی مناطق مذکور اقدام شده است.

در فصل ششم، نویسنده‌ی کتاب به معرفی ولایت‌های پنج ده، ماروچاق، مورو، مرغاب، گنج روستا و بادغیس عنایت نشان داده است. با توجه به این که واحه‌ی مرو از چهار طرف به بیابان محدود است، نویسنده در فصل بعد معرفی بیابان‌های اطراف مرو را در عرصه‌ی توجه و عنایت خود قرار داده است؛ بیابان‌هایی چون زردک، برده لُق و شیر شتر از جمله‌ی این بیابان‌ها هستند.

فصل بعدی با توجه به این که شاهراه سرخس به مرو، پرتددترین طریق بوده است، به شاهراه‌های مهم این وادی پرداخته است: راه سرخس به مرو، مرو به آمل، مرو به خوارزم و مرو به مرورود. در نهایت مؤلف در فصل نهم و در ذیل عنوان فرهنگ‌نامه‌ی جغرافیایی مرو، همان‌گونه که در ابتدای کتاب متذکر شده است، به ارائه‌ی صورت الفبایی ۷۱۵ مدخل پرداخته است.

بی‌شک بررسی زمان نیازمند بررسی مکانی است که درصدد تحقیق و تفحص درباره‌ی آن هستیم. همین مهم لزوم توجه و عنایت به موضوعاتی پیرامون جغرافیای تاریخی مناطق مختلف را بیش از پیش آشکار و مبرهن می‌کند. لزوم توجه به چنین موضوعاتی همواره باید در عرصه‌ی عنایت پژوهشگران قرار گیرد. نویسنده با عنایت به ضرورت این‌گونه تحقیقات به جغرافیای تاریخی مرو علاقه نشان داده و برای روشن کردن گوشه‌ای از زوایای تاریک این عرصه تلاش کرده است. منطقه‌ی مرو همواره از مناطق بسیار مهمی بوده که نویسنده نیز به کرات بر ارتباط تنگاتنگ آن با فرهنگ ایرانی تأکید کرده است. برخاستن بزرگانی از این دیار، همانند بسیاری از بزرگان مناطق دیگر که شهرت منطقه‌ی جغرافیایی خود را دو چندان کرده‌اند، از جمله دیگر انگیزه‌هایی است که به درستی مؤلف به آن عنایت داشته و او را بر تألیف کتاب واداشته است. **سمعانی مروزی**^۱ که در کتاب اثر سترگ او، الانساب بسیار استفاده شده و نویسنده، کتاب خود را نیز با نام ایشان مزین کرده است، از جمله این بزرگان است. همان‌گونه که مؤلف نیز تأکید کرده است - که لزوم توجه بیش از پیش به منطقه مرو را می‌نمایاند.

نویسنده کتاب تلاش کرده است که با استناد به منابع تاریخی و برخی تحقیقات و پژوهش‌های جدید، موضوع پژوهش خود را روشن

سازانین، در این محل، بندی برای هدایت آب رود به سوی مرو وجود داشته است که به بند مرو شهرت پیدا کرده است. اولین بار مقدسی در قرن چهارم به‌طور مبهم از بند مرو یاد کرده، اما بعد از آن تا چند سده اطلاع دقیقی از آن باقی نمانده است. این بند در زمان شاهرخ بازسازی شد؛ بازسازی و احیای بند مرو توسط شاهرخ را حافظ ابرو در اثر خود گنجانده است. نویسنده در ادامه به وضعیت بند بعد از عهد تیموری یعنی در زمان صفویه و نادرشاه پرداخته است. شایان ذکر است که مؤلف عالم‌آرای نادری به چگونگی بستن بند مرو اشاره کرده است. سیدی در ادامه به ارائه‌ی توضیح بخش آب براساس اطلاعاتی از آثار اصطخری، **ابن حوقل**، **مقدسی**، **سمعانی** و بسیاری دیگر از مورخان پرداخته است که درباره‌ی آن در کتاب خود مطالبی را درج کرده‌اند. لازم به ذکر است که بیشترین اطلاعات درمورد بخشاب در احسن التقاسیم مقدسی آمده است.

در فصل سوم، نویسنده در ذیل عنوان چهار نهر حیات‌بخش به شهر مرو به نهرهایی پرداخته است که از شرق به غرب عبارتند از: نهر اسعدی خراسانی، زریق، ماجان و هرمزفره. نهر اسعدی خراسانی شرقی‌ترین این چهار نهر بود که حومه بنی‌ماهان و محلات بیرون دروازه سنجان مرو سایانی را مشروب می‌ساخت. نهر زریق به دو دلیل مشهورتر از دو نهر دیگر بوده است:

نخست این که اصل شهر مرو از طریق همین نهر مشروب می‌شده است؛ دیگر این که در سرمنشأ این چهار نهر، روستای زریق قرار داشت.

نهر ماجان نیز در میان نهرهای هرمزفره و زریق قرار داشته و محله‌ی ماجان را مشروب می‌ساخته است. نهر هرمزفره غربی‌ترین این نهرها بوده و در فاصله‌ی پنج فرسخی مرو به شهر هرمزفره منتهی می‌شده و به همین دلیل بدین نام شهرت پیدا کرده است.

در فصل چهارم نیز نویسنده تلاش کرده است تا به معرفی شهرهای مرو (از مارغوش تا ماری) بپردازد. مارغوش، مروکهن، گبر قلعه، دروازه سنجان، بایرامعلی قلعه، دروازه درمشکان، دروازه بالین، سلطان قلعه، دروازه سرماجان، دروازه مصب ماجان، دروازه فیروزی، دروازه شهرستان عبدالله خان قلعه و ماری از جمله مناطقی است که در این فصل نویسنده با تکیه بر منابع تاریخی کوشش کرده است که به ارائه‌ی مطالبی درباره‌ی آن‌ها بپردازد.

فصل پنجم کتاب نیز به معرفی بیست شهر و آبادی بزرگ ولایت مرو پرداخته است. این ولایت‌ها عبارتند از: کشمیهن، هرمزفره، باشان، سوسقان، خرق، سفیدنج، سنگ، ماخان، گروگرد، ندادنقان، اندرابه،

نویسنده در ذیل عنوان فرهنگ‌نامه‌ی جغرافیای تاریخی مرو و در طی ۷۱۵ مدخل، به نواحی مختلف جغرافیایی این ناحیه پرداخته است

بعدی سوق نمی‌دهد؟ برای روشن شدن مطلب به نظر می‌رسد نگاهی به کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی تألیف لسترنج که نویسنده در کتاب خود به آن توجه کرده است، ضروری به نظر می‌رسد. در این کتاب مؤلف تلاش کرده است که با عنایت به منابع تاریخی به روشن کردن موضوعات مورد پژوهش خود پردازد. اما تفاوت بارز این کتاب با جغرافیای تاریخی مرو این است که در آن، مؤلف ضمن تکیه بر اطلاعات این منابع، به گونه‌ای درباره‌ی مناطق مختلف جغرافیایی، وجه تسمیه‌ی منطقه، محصولات کشاورزی، آب و هوا، جمعیت، بازارها، شاهراه‌ها و دیگر موضوعات پرداخته است که نقل قول مستقیم مؤلفان این منابع در گزارش‌های اندکی دیده می‌شود و عمدتاً لسترنج به نکات مهم و اختلافات منابع درباره‌ی نقاط مورد نظر اقدام به ذکر مطالب آن‌ها کرده است. به عنوان نمونه، لسترنج ضمن اشاره به یکی از مباحث به آراء تمام جغرافی‌نویسان هم اشاره کرده و در ارجاع به همه‌ی منابع مورداستفاده‌ی خود اشاره کرده است. شایان ذکر است که ذکر این گونه مطالب از عنایت و آگاهی بر تلاش نویسنده در ارائه‌ی تمام مطالب موجود در منابع تاریخی برای موضوع نمی‌کاهد. این گونه تحقیقات بی‌تردید باید راهی را برای توجه بیش از پیش به این موضوعات گشوده و روشنای راه کسانی باشند که در این وادی ره می‌پویند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - ابوسعید سمعی مروزی از جمله بزرگان مرو است که از خانواده‌ی اهل فضل و دانش برخاست. پدر بزرگ و پدر وی از جمله بزرگان زمانه بودند و خود وی نیز در تربیت فرزندش تلاش وافرایی از خود نشان داد. سمعی توانست آثار ارزشمندی را نیز به رشته‌ی تحریر بکشد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها الاتساب است که در کتاب جغرافیای تاریخی مرو به کرات از آن استفاده شده است. برای آگاهی از شرح حال وی بنگرید به: الذهبی، تذکره الحفاظ، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹، جلد ۴، ص ۷۵. ابن‌العماد الحنبلی، شذرات الذهب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱، جلد ۴، ص ۲۰۶. ابن کثیر الدمشقی، البدایه و النهایه، تحقیق: یوسف محمدالبقاعی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱، جلد ۸، ص ۱۹۱. ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹، جلد ۲، ص ۱۰۰.

۲ - برای نمونه بنگرید به: سیدی، مهدی، جغرافیای تاریخی مرو، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۱۹، ۲۳، ۱۰۰، ۱۰۸.

۳ - برای نمونه بنگرید به: پیشین، فصل پنجم، صص ۱۱۱-۱۰۹.

۴ - پیشین، صص ۱۳۶-۱۳۵.

کند. سیدی در کتاب خود از درج برخی اشعار درباره‌ی نقاط مختلف جغرافیایی مرو نیز اجتناب نکرده است.^۲ شایان ذکر است که نویسنده همچنین تلاش کرده است که صورت‌های متفاوت نام شهرها و یا اشکال گوناگون قرائت آن‌ها را در ذیل مطالبی بگنجانند که درباره‌ی نقاط مختلف در کتاب خود آورده است.^۳ مؤلف همچنین درباره‌ی برخی نواحی مرو، تلاش کرده است که وجه تسمیه آن‌ها را از گوشه‌ی ابهام بیرون بکشد و به روشن کردن علت نام‌گذاری آن‌ها براساس منابع تاریخی کمک کند. به عنوان نمونه، در ذیل عنوان مرغاب به مطالبی اشاره کرده است که حافظ ابرو، اصطخری و ابن حوقل درباره‌ی نام این منطقه در آثار خود گنجانده‌اند.^۴

همان‌گونه که اشاره شد، در فصل نهم نویسنده در ذیل عنوان فرهنگ‌نامه‌ی جغرافیای تاریخی مرو و در طی ۷۱۵ مدخل، به نواحی مختلف جغرافیایی این ناحیه پرداخته است. در ذیل هر مدخل، مؤلف به منابع مورداستناد خود نیز اشاره کرده است و همین برای خواننده‌ی کتاب این امکان را فراهم می‌کند که برای کسب آگاهی بیشتر، به منابع و یا تحقیقات مورداستناد وی رجوع کند؛ منابع تاریخی که بدون عنایت و بذل توجه کافی به آن‌ها، تحقیقات و پژوهش‌های پیرامون جغرافیای تاریخی مناطق مختلف، ره به هیچ‌دهی نمی‌برند.

ذکر این نکته ضروری است که مؤلف در قسمت‌های مختلف کتاب فقط به درج مطالب آثار جغرافی‌نویسان مسلمان پرداخته است. در واقع، عرصه‌ی درج این مطالب مستقیم در کتاب وی سخت پهناور است. ارجاع‌های مستقیم کتاب در برخی موارد ملال‌آور و بسیار طولانی است. ضمن تأکید بر تلاش نویسنده برای ارائه‌ی مطالب مستند درباره‌ی نواحی مورد بحث، به نظر می‌رسد که در برخی موارد نقل قول‌های مستقیم پیاپی، کتاب را به مجموعه‌ای از این ارجاع‌ها تبدیل می‌کند که به ترتیب و پشت سرهم و شاید با شتابزدگی به رشته‌ی تحریر کشیده شده‌اند. لازم به ذکر است که ذکر خلاصه‌ای از این مطالب با قلم خود نویسنده، برخی بخش‌های کتاب را از این شیوه‌ی ملال‌آور خارج می‌کند و خواننده می‌توانست با انتظام فکری بیشتر به مطالعه و کسب آگاهی درباره‌ی موضوع مورد مطالعه خود پردازد. به عبارت بهتر، آیا نویسنده نباید تلاش‌های خود را ضمن به‌کارگیری اطلاعات منابع متقدم و تحقیقات به شیوه‌ای سازمان‌یافته و نیز در قالب ادبیاتی متقن بیشتر به نتیجه برساند تا این که با عدم به‌کارگیری این نکات باعث شود که کتاب در برخی قسمت‌ها به مجموعه‌ای از نقل‌قول‌های مستقیم و بدون دخالت ادبیات نویسنده تبدیل شود که خواننده را به سوی پی‌گیری موضوع در کتاب و نیز در قالب تحقیقات